شب چرا می کشد مرا تو نشسته‌ای کجای ما جرا

پرونده‌ای برای فیلم «سراسر شب» و همه فیلم‌هایی که داستان آن‌ها در شب روایت شده‌اند. در گزارش امروز همچنین سراغ فرزاد موتمن رفته‌ایم و با او درباره فیلمش و مسائل دیگری گفت‌وگویی مفصل انجام داده‌ایم

احمد رنجبر
هفت صبح

کارنامه فرزاد موتمن افت و خیز داشته است؛ گاهی فیلم‌هایش با تحسین خاص و عام مواجه شده و در مواقعی، سخت پسندها ساخته‌اش را پس زده‌اند. «سراسر شب» موقعیتی بینابین دارد. برخی آن را اثری ضعیف می‌دانند و عده‌ای دست به تحسین فیلم زده‌اند. «سراسر شب» از جمله فیلم‌هایی است که اگر نتوانی همراهش شوی، همان ابتدا آن را پس می‌زنی. اگر دوستش داشتی تا آخر می‌روی. حالا می‌ماند این پرسش که آیا فیلم را دوست داشته‌ای یا نه؟! «سراسر شب» موقعیتی پیش در طرح اکران آنلاین به نمایش درآمد. به همین مناسبت پرونده امروز به این فیلم اختصاص دارد. ابتدا اشاره‌ای گذرا به درون مایه فیلم شده است تا بدانیم با چه اثری مواجه هستیم. گفت‌وگویی مفصل هم با فرزاد موتمن انجام داده‌ایم که او از شرایط ساخت فیلم «سراسر شب» گفته است. ستون مجاور پرونده درباره فیلم‌هایی است که قصه آن‌ها در شب می‌گذرد. نسبت آن‌ها با شب بررسی شده و کارکرد عنصر درام‌اتیک شب در آن‌ها محک خورده است. شب نه فقط در ایران که در میان فیلمسازان جهانی برای روایت قصه‌های خاص، جذابیت دارد و بارها محل توجه بوده است.

پیش درآمد

جسارت یا محافظه کاری

درباره جهان حاکم بر داستان فیلم سراسر شب، نقاط قوت و ضعف آن، عملکرد بازیگران و چند نکته دیگر

دستان

«سراسر شب» نخستین تجربه نویسندگی فرزاد موتمن محسوب می‌شود. او درباره این تجربه در گفت‌وگو با هفت صبح توضیح مبسوطی داده است که می‌توانید بخوانید. در مجموع می‌توان «سراسر شب» را فیلمی نزدیک به علایق سینمایی موتمن دانست. داستان درباره دختری (الناز شاکردوست) است که برای یافتن خبری درباره خواهرش از خانه بیرون می‌رود، او عاشق سینما بوده اما رشته پزشکی قبول شده. آن شب با پسری آشنا می‌شود، عاشق می‌شود و برمی‌گردد. «سراسر شب» یک داستان معمایی را هم پیش می‌برد که به اندازه این قصه عاشقانه، پرملات و همراهی برانگیز نیست.

فرحه‌نیکوکار

الناز شاکردوست نقش اصلی «سراسر شب» را بازی می‌کند. دختری محجوب که حالا وارد جامعه شده و حقایقی پیش‌رویش قرار می‌گیرد. بازی خوشنودانه شاکردوست در این فیلم از نکات مثبت اوست. مهتا را رام آرام عاشق می‌شود و پوسته دخترانگی خارج می‌شود. این مفهوم به‌خوبی در بازی شاکردوست خودنمایی می‌کند. سینا حجازی که او را به عنوان خواننده می‌شناسیم هم در اولین تجربه بازیگری‌اش موفق عمل کرده. او به‌خوبی درون جلد جوان‌های امروزی رفته است. امیر جعفری، مهدی سلطانی، آزاده صمدی و افسانه قهرمانی چهره آزاد دیگر بازیگران «سراسر شب» هستند.

بهاران

در میان کامنت‌ها و نیز نقدهای رسانه‌ای درباره «سراسر شب» برخی به‌شدت فیلم را دوست دارند و برخی آن را اثری خسته کننده توصیف می‌کنند. بعضی‌ها هم فیلم را متوسط می‌دانند. سایت مووی مگ درباره فیلم نوشته: «روایت «سراسر شب» می‌تواند برای مخاطب عام سینما تا حد زیادی گنگ باشد. موتمن در این تجربه نویسندگی تا جایی که می‌توانسته سعی کرده از دیالوگ‌های مشهور تاریخ سینما الهام بگیرد و آن را در قالب گفت‌وگوهای دو نفره مطرح کند.» نویسنده مجله فلم گردی هم نوشته: «فرزاد موتمن رسک‌پذیری کافی برای ساخت یک فیلم شخصی را نداشته است.»

نخواستم مخاطب را سردرگم کنم

توضیحات فرزاد مؤتمن درباره متن و حاشیه «سراسر شب»؛ فیلمی که ارجاعات سینمایی زیادی دارد و شاید نتواند برخی مخاطبان را با خود همراه کند. این کارگردان در گفت‌وگو با هفت صبح از ویژگی‌های فیلمش گفته است

«سراسر شب» را فرزاد مؤتمن سه سال پیش ساخت. فیلم قرار بود در جشنواره رونمایی شود که هیات انتخاب آن را نپذیرفت. سازندگان امیدوار به اکران آن در سالن‌ها بودند، ولی سینماها تعطیل شدند. در نهایت «سراسر شب» از چندی پیش در قالب طرح اکران آنلاین از طریق پلتفرم‌ها در دسترس مخاطبان قرار گرفته است. با فرزاد مؤتمن درباره ساخته جدیدش گفت‌وگو کرده‌ایم.

■■■

« یکسری توضیحات را قبلا درباره «سراسر شب» بیان کرده‌اید. چون ممکن است برخی خواننده‌های ما آن را ندیده باشند، گفت‌وگو را با ماجرای شکل گیری ایده فیلم شروع کنیم.

ایده «سراسر شب» به اوایل دهه ۹۰ برمی‌گردد؛ به سال‌های ۸۹، ۹۰ و ۹۱ که روزهای سختی برایم بود و اتفاق‌های ناخوشایندی در زندگی‌ام افتاد. برای مدتی قرنیه چشمم کدر و بینایی‌ام دچار مشکل شد. من سه تا فیلم را در حالی ساختم که چیز زیادی نمی‌دیدم و همه چیز قلو بود. تمدنا اتفاق بود که ایده «سراسر شب» را شکل داد، ولی اتفاق‌های خیلی تلخی بودند. چالش اصلی این بود که چطور می‌توانیم فیلمی درباره اتفاقات تلخ بسازیم، اما ماجصلش تلخ نباشد و فیلم شیرین باشد. فکر کردیم چطور می‌توانیم تلخی فیلم را در تماشاچی تعدشین نکنیم و این اتریک پایان خوش داشته باشد. چون پایان شیرین، تنها چیزی است که احتمالا ما می‌توانیم از سیمواد زندگی کنیم و از آن لذت ببریم.

« ورمان «پس از تاریکی» هاروکی موراکامی کجای این ماجراست؟

خیلی از قصه موراکامی استفاده نشده. آنجا دختری است که خوابیده و از خواب بیدار نمی‌شود. با مردی از طریق تلویزیون در ارتباط است که هویت این موجود اصلا مشخص نمی‌شود و در انتها دختر اصلا از خواب بیدار نمی‌شود. درواقع هیچ اتفاقی در رمان موراکامی نمی‌افتد و بیزگی‌اش در همین است. با این حال فضای رمان، به‌شدت جذاب است. من از مهندسی رمان موراکامی استفاده کردم. درواقع آرمانوزیفیلمنامه را از رمان موراکامی گرفتم. کراکتر دوازه مرادی (امیر جعفری) هم تا حدودی شبیه شخصیت رمان «گرسنگی» کنوت هامسون شکل گرفت. هرچند ما از «گرسنگی» هم خیلی استفاده نکردیم. برای همین در تیزرتوشتایم برداشت آزاد.

« بطور می‌شود یک فضای تلخ و خشن تبدیل به نتیجه‌ای شیرین شود؟ اگر فیلمنامه را در همان سه سال می‌نوشتید باز همین قصه می‌شد؟

واقعیت این است که بچه، شش سال فقط ایده‌های فیلمنامه توی ذهنم بود و هیچ چیزی ننوشتم. من سه سال پیش شروع به نوشتن کردم. نسخه اول را تنهایی نوشتم و دو نسخه دیگر با امید سعدوندیان نوشته شد. در این مراحل ایده شکل گرفته بود. می‌دانستم چیزی که به داستان اضافه می‌دهد، سینماست. به همین خاطر قصه آن دختر کنکور خورده (آزاده صمدی) پایان خوشی ندارد. در این قصه، سینما، ادبیات، موسیقی و عشق نیست، بلکه چک و سفته و نفرت است. ولی در قصه مهتا (الناز شاکردوست)، سینما، ادبیات و عشق هست، به همین خاطر این قصه پایان خوشی دارد. دختر مثل زیبای خفته از خواب بیدار می‌شود و...

« «سراسر شب» اولین فیلمنامه‌ای است که شما نوشته‌اید و ساخته شده است. با این حال جزو کارگردان‌هایی هستید که اسمتان بر فیلم‌ها غلبه دارد و امضای تان در آنها پررنگ است. چرا در این سال‌ها ننوشتید؟

من نمی‌خواهم چنین ادعایی کنم و این لطف شماست... همه فیلم‌هایم به‌جز «سراسر شب» بر اساس فیلمنامه‌هایی که دوستان دیگر نوشته‌اند، بوده است. گاهی در چهار مورد این ارتباط با نویسنده خیلی نزدیک بوده؛ یعنی نویسنده برعکس هر دامشتن دنیای خود، طوری نوشته که به دنیای من نزدیک بوده است؛ مثل سه فیلمی که با سعید عقیقی کار کردیم (هفت‌پرده، شب‌های روشن و صداها) یا فیلمی که با امیر افشار کار کردیم (سایه‌روشن). اصلا افشار فیلمنامه را نوشته بود و من وقتی خواندم، به آن علاقه‌مند شدم و ساختم. با سعید از ابتدا هماهنگ بودیم و می‌گفت فلان ایده را بسازیم و ... آنجاها ارتباط بهتری شکل گرفته بود، چون من و متن و نویسنده خیلی به هم نزدیک بوده‌ایم. یک جاهایی هم این نزدیکی وجود ندارد. سفارش بوده است و گفتند بساز.

« اسمم می‌برید؟

منظورم فیلم‌هایی است که سفارش داده شده؛ بعضی‌هایشان هم بد نیستند و دوستشان دارم؛ مثل «خداحافظی طولانی»، «آخرین بار کی سحر را دیدی؟» و «هیچ‌خود». درواقع آنها را فیلمنامه‌نویس نوشته، با تهیه‌کننده به توافق رسیده است و بعد خواسته آنها را گاهی هم من خودم را در اختیار سینمای صنعتی گذاشتم؛ مثل دو کمدی «پوپک و متی‌ماشالله» و «جشنوگوش بسته». فکر می‌کردم که فیلم پرفروش هم باید بسازم تا ما حیات سینما را از دست ما رضایی باشند. (با خنده)

« فیلمنامه‌ای دارید که آماده ساخت باشد؟

در ماه‌های اخیر که در قرنطینه هستم، متنی درباره کرونا می‌نویسم. اصولا آنچه در یک سال اخیر بر ما گذشته موضوع این فیلمنامه است.

« در «سراسر شب» سینما پررنگ است. چیزی که برایم جالب بود به انتهای فیلم برمی‌گردد که تهیه‌کننده و کارگردان (مهدی سلطانی و امیر جعفری) با هم بگومگو می‌کنند و تا دیوانی نه چندان مؤدبانه با هم حرف می‌زنند. برخلاف تصور عام که فکر می‌کنند کارگردان‌ها تمکن دارند، متوجه مشکلات مالی کارگردان می‌شویم. چقدر از آنها واقعیت است و چقدرش زبان حال فرزاد مؤتمن؟

همه آن چیزی که در آن صحنه می‌بینید واقعی است. تجربه‌اش کردم.

« چند کلمه بیشتر نگفتید؛ سکوتتان عجیب است.

برای اینکه نتاج است. دوست دارم از کنارش بگذرم.

« بهرام بیضایی هم در توقتی همه خوابیم؛ از تهیه‌کننده قبلی‌اش انتقاد می‌کند و بهتر است بگوییم انتقام می‌گیرد. این قابل درک است. ولی درباره شما چون خبر اختلاف نظر تان کمتر رسانه‌ای شده، چنین حملاتی به سینما حالت سوال دارد.

من همیشه اتهر را که در صحنه فیلم‌ها می‌گذرد به بیرون نمی‌کنم. فکر می‌کنم باید اختلاف‌ها هم‌جادی شوند.

« الناز شاکردوست دو نقش دارد که یکی کوتاه‌تر و دیگری مطول‌تر است. چه در او دیدید که برای نقش مهتا انتخاب شد؟

خودش با انرژی بالا و عشق بود. با اینکه واضح بود خیلی از ابعاد فیلمنامه برایش مبهم است، خیلی با من بحث کرد. وقتی بهش گفتم «آلفاول» گدار را ببین، رو بعد آمد و درباراش صحبت کرد. الناز شاکردوست برای این نقش زحمت کشید. جنس بازی در «سراسر شب» یک مقدار دور از بازی‌هایی است که انجام می‌دهد و فکر کنم کمی هم به او سخت گذشت. ولی نتیجه خوب بود.

« شخصیتی که بازی می‌کند، دانشجوی پزشکی است که عاشق سینما بوده و نتوانسته است به آرزویش برسد. ولی انتقال این حسرت به مخاطب کار ساده‌ای نیست و اگر همه چیز سر جای خود نباشد چه بسا نتیجه عکس به دست بیاید.

الناز شاکردوست نیمه اول فیلم را یک جور بازی می‌کند، نیمه دوم را جور دیگری. در نیمه اول کراکتر مهتا درست است که دانشجوی پزشکی است، اما بیشتر به یک دختر دبیرستانی می‌ماند. خام است. کمی بچه است. حتی کتابی که با خودش آورده خیلی بزرگ است. انگار آن را از کتابخانه برداشتن کیش رفته. خیلی با هیجان درباره موسیقی، سینما و ادبیات صحبت می‌کند.

« سینا حجازی بازی کردم چون...

بیش از آبسن بارها حضورم به عنوان بازیگر جلوی دوربین سینما مطرح شده بود، اما این اتفاق نیفتاده بود. این بار وقتی فیلمنامه را خواندم و با آقای مونتاژ صحبت کردم، به این جذاب به کلمه مطمئن شدم اگر قرار باشد من در یک فیلم بازی کنم، آن فیلم سراسر شب است. برای این فیلم زیاد زحمت زیادی کشیده شد و به دیدمدتش امیدوار بودم که متأسفانه هیچ مواند و نمایش آن به درازا کشید و حالا در یک شرایط خاص در حال اکران است که همه‌چیز در هوا تک‌ترین شکل ممکنش است. از آنجا که دیرم بازیگر بود، این فضا را می‌شناختم، اما همواره از قصه‌ها که با میرکوفن راحت بودم، از بازی جلوی دوربین سینما می‌ترسیدم. با این اتفاقاتی که پیش آمده فکر می‌کنم آخرین بار باشد که در فیلمی بازی کرده‌ام. با این حال معتقدم همانطور که همه‌چیز این فیلم تا به حال عجیب بوده، عاقبتش هم عجیب خواهد بود و اگر عاقبت خوبی داشته باشد، شاید باز هم بازیگری را ادامه دهم.

« ارامیا سعدوندیان. انرژی صرف کردیم

بودن کنار این کارگردان برای من هم یک کارگاه آموزشی بود و باعث شد به دانسته‌هایم اضافه شود و هم اینکه توانستیم نگارش انرژی را به صورت مشترک پیش ببریم که برای خودم لذت‌بخش بود. به‌خاطر تسلط کارگردان به سوژه، در مرحله نگارش محدودیتی وجود نداشت و این اجازه بود که هر چه می‌خواهیم فکر کنیم. حدود یک سال درگیر نگارش این فیلمنامه بودیم و خیلی پای این کار انرژی گذاشتیم.

« سهراب خسروی. آرام آرام جلو رفتیم

سراسر شب را از نظر فرم و شکل و حس باید روی پرده دید و حتی معتقد بودم که فیلم باید در فصل سرما نمایش داده شود تا مخاطب بتواند به خوبی با آن ارتباط برقرار کند. الان صدای فیلم، آنطور که در سالن سینما باید شنیده شود، به گوش نمی‌رسد و این چندان جالب نیست. البته من به عنوان تدوینگر هم مثل بقیه عوامل فیلم خوشحالم که فیلم، با همین وضعیت در حال نمایش است. ما خیلی آرام آرام جلو رفتیم تا به این فرم برسیم. فیلم از نظر قطع‌ها، دارای فرمی خاص است؛ فیلمی آرام که در شب می‌گذرد، اما جامپ‌کات‌هایش آن را از حالت متداولی که چنین فیلمی می‌توانست داشته باشد، جدا می‌کند. این ویژگی فرمی تدوین سراسر شب است و برایم جالب بود که آقای مؤتمن هم خیلی در این راه همراه و حتی جلوتر از من بود. همراهی و اعتمادشان به تدوین فیلم خیلی کمک کرد.

پایک میرزاخانی. موسیقی فیلم تسمفر محور است

فرزاد مؤتمن برخلاف بسیاری از کارگردان‌ها، انقدر در حوزه موسیقی آگاهی دارد که می‌تواند به خوبی و با جزئیات، حسی را که از موسیقی مدنظر می‌خواهد از اهنگساز طلب کند، خوصا اینکه سلیقه شنیداری ما به هم نزدیک است. برای موسیقی فیلم دو سبک می‌شناسیم؛ یا شخصیت محور یا فضامحور. موسیقی سراسر شب، اتمسفرمحور است و بر اساس حس جری سکاس‌ها، گسترش می‌یابد. من در این فیلم سعی کردم با سینا حجازی هم مواوده‌ای نداشته باشم که حسی از او نگرفته باشم برای اینکه مرزهای فیلم مشخص شود.

بخش تریلری فیلم را که مربوط به آزاده صمدی است حدود ۱۴ دقیقه کوتاه کردیم و این الان مشکل ایجاد کرده است. ما برای اینکه خواست تهیه‌کننده را برآورده کنیم تا فیلم به زیر ۱۰۰ دقیقه برسد، از یک چیزهایی گذشتیم

یلدا جبلی در اولین تجربه کارگردانی سینمایی خود، سراغ داستانی رفت که قصه آن در شب می‌گذرد. او «داره صبح می‌شه» را با داستانی از چهار خانواده ساخت که هر کدام رازی دارند. قصه عشق و بحران رابطه و رازهای پنهان در یک شب روایت می‌شوند.

تنفس در هوای یک فیلم

بازخوانی گفته‌های عوامل سازنده سراسر شب از این تجربه سینمایی

مدتی پیش نشست تحلیل و بررسی فیلم سراسر شب با برخی عوامل برگزار شده بود که در این بخش از پرونده گفته‌های آنها درباره این تجربه سینمایی را مرور می‌کنیم. دراین نشست مؤتمن گفته بود: دوست داشتم وقتی برای اولین بار یک ایده را خودم پرورش می‌دهم، آن را به سینمایی که خودم دوست دارم نزدیک کنم. سینمایی که داستان می‌گوید، اما تعریف نمی‌کند. دور داستان می‌بلکد و صریحا داستان را نمی‌گوید. سینمایی که واقعی است، اما به شدت تخیلی است و نمی‌ترسد از اینکه تخیل لجام‌گسیخته در آن بدود. سینمایی که دیالوگ‌هایش روزمره نباشند و بتوانی آنها را به یاد بیاوری.

بهتر است سراغ شب نرویم!

روایتی از چالش‌های کارشبانه و مشکلاتی که برای فیلمساز ایجاد می‌شود

در بخشی از مصاحبه، با فرزاد مؤتمن درباره سوژه پرونده؛ یعنی فیلم‌های شبانه سینمای ایران، گفت‌وگو کردیم. حرف‌های فرزاد مؤتمن را در این‌باره بخوانید.

■■■

« جذابیت شب برای فیلم‌ها چیست؟

این اتفاق از تم فیلم «سراسر شب» می‌آید؛ یعنی رسیدن از تاریکی به روشنی. قرار بود از ناامیدی به زندگی برسیم و پایان شب سیه سفید است. و این مثل معروف، تم فیلم است.

« انگار شب را زآلوده‌تر و بیشتر به کار درام می‌آید.

همه اینها را دارد و به درد «سراسر شب» می‌خورد. ولی درعین‌حال کار در شب مشکلات خاص خود را دارد. دقت کنید که خود شب ریتم داستان را پایین می‌آورد و شاید عاقلانه‌تر این باشد که سراغش نرویم. خصوصا شب تهران که مرده است و زندگی شبانه ندارم.

« شما گفتید فیلم‌های قبلی همه مشق بوده‌اند برای ساخت سراسر شب. این نادیده گرفتن کارنامه قبلی نیست؟

گاهی ما برای اینکه منظوری را برسانیم باید غلو کنیم. این را باید به همان تعبیر نگاه کرد که زمانی گدار گفته بود سینما یعنی نیکولاس ری. و واقعیت این است که نیکولاس ری همه سینما نبود؛ بخشی از سینما بود. وقتی گدار تاکید می‌کند، یعنی به این فیلمساز خیلی دقت کنید. درواقع من هم چنین غلوی می‌کنم. یعنی این فیلم را ببینید.

« روایت می‌کنید فیلم چرا در جشنواره پذیرفته نشد؟

این فیلمی است که باید در جشنواره نشان داده می‌شد. چون فقط یک سراسر شب در سینمای ایران ساخته می‌شود. پس کنار گذاشتن آن شوخی است. این فیلم جشنواره را هیجان‌انگیز می‌کرد.

« دلیل کنار گذاشتن فیلم از جشنواره چه بود؟

آنها که دلیل نمی‌گویند. جشنواره فجر سال‌به‌سال از جشنواره بودن دور شده و صرفا تبدیل به رویدادی دولتی برای ارائه بیلان کاری مدیران فرهنگی شده است.

عکس: رامیار صابری

فرزاد مؤتمن ۱۲ فیلم کارگردانی کرده که ویژگی بارز کارنامه‌اش تنوع موضوعی فیلم‌هاست. او سراغ فیلم هنری، کمدی، معمایی و ماورایی رفته است. دو فیلم از ساخته‌های این کارگردان هم در شب روایت می‌شوند.

12

بیش از ۳۰ فیلم در سینمای ایران ساخته شده‌اند که کلمه شب در آنها به کار رفته است. در این میان داستان «شب یلدا»، ساخته کیومرث پوراحمد در شب روایت می‌شود و اثری شاخص محسوب می‌شود.

30

03

01

89

رسول صدرعاملی سه‌گانه زیارت را در حالی ساخت که داستان دو فیلم آن در شب می‌گذرد. علاوه‌بر «شب»، بخشی از قصه «هر شب تنهایی» در یک شب روایت می‌شود. قسمت آخر این سه‌گانه؛ یعنی «در انتظار معجزه» اما از این منظر متفاوت است.

رویای نیمه‌شب تاریک

نقش دراماتیک شب در ۹ فیلم سینمایی. کاربرد هر کدام چه بوده است و کدامیک موفق‌تر بوده‌اند؟

در سینمای جهان و ایران فیلم‌های زیادی ساخته شده‌اند که قصه آنها به طور کامل در شب می‌گذرد؛ به عنوان مثال جیم جارموش داستان فیلم «شب روی زمین» (Night on Earth) را در شب روایت کرد؛ آن هم نه در یک نقطه، بلکه در چند شهر. در ایران هم سابقه ساخت فیلم در شب، به سال‌های دور برمی‌گردد. نمونه شاخص آن «شب قوزی» است. به مناسبت اکران «سراسر شب»، ۹ فیلم که از این فرمول برخوردار هستند را گزینش کرده و درباره نسبت دراماتیک آنها با شب نوشته‌ایم. طبعا عدد فیلم‌ها بیشتر از این ۹ مورد است. ضمن آنکه خیلی از فیلم‌ها بخشی از آنها در شب می‌گذرند که از قضا آثار شاخصی هستند. این فیلم‌ها سوژه گزارش امروز نیستند.

شب قوزی
۱۳۴۳

کارگردان فرخ غفاری
فضای کلی فیلم بر اساس یکی از داستان‌های «هزارویک شب» ساخته شده. قوزی در یک گروه شادمانی در یک میهمانی خفه می‌شود و حالا همکاران می‌خواهند از دست جنازه‌اش راحت شوند. جنازه را به داخل یک خیاطی می‌اندازند، بی‌خبر از اینکه کاغذی محرمانه در جیب او قرار دارد. خیاط جنازه را به خانه دیگری می‌اندازد و دیگری به جای دیگر و هر کسی سعی دارد طوری از شر جنازه راحت شود به غیر از زن که به‌خاطر آن نوشته محرمانه به دنبال جسد است.

کارگرد دراماتیک شب فرخ غفاری مجبور بود داستانش را در شب روایت کند. چون شب انطباقی معنایی با مفهوم دراماتیک فیلم دارد. به عبارت دیگر، اگر داستان در روز ساخته می‌شد، بخش زیادی از جذابیت و رازآلودبودنش از بین می‌رفت.

میزان موفقیت شب قوزی اگرچه در اکران عمومی با اقبال چندانی روبه‌رو نشد، ولی در جشنواره‌های کن، کارلوی‌واری و بروکسل مورد تحسین قرار گرفت. فیلم از معدود آثار موفق و به‌یادماندنی سینمای ایران است که داستانش در یک شب روایت می‌شود و استفاده درست از شب کرده است. شب قوزی همچنان تماشایی است.

کندو
۱۳۵۴

کارگردان فریدون گله
فضای کلی آقاحسینی پس از برنده شدن در بازی «ترُنا» حکم می‌کند که ایی از خیابان لاله‌زار تا پل تجریش، بدون پول، به کافه‌ها و رستوران‌ها سر بزند و غذا و نوشیدنی مفتی بخورد.

کارگرد دراماتیک شب فریدون گله در «کندو» ضمن بیان یک قصه سراست قصد داشت به لایه‌های جامعه‌شناختی تهران هم نفوذ کند، پس چه جایی بهتر از کافه؟ در تهران آن زمان کافه‌گردی تفریح مردم پایین و بالای شهر بود و هر کس به تناسب خاستگاهش در کافه می‌نشست. بر این اساس می‌شد از نوع ریخت هر کافه و کلام آدم‌ها پی به منطقه خاص شهر برد. کافه‌گردی‌ها هم عمدتا در غروب و شب بوده و لاجرم باید قصه در این برهه از شبانه‌روز بگذرد. قهرمان فیلم طی یک شرح‌بندی از کافه‌های پایین شهر شروع می‌کند و بدون پرداخت پول به هفت کافه می‌رود و در نهایت زخمی و تالان به هدفش می‌رسد.

میزان موفقیت «کندو» همواره جزو انتخاب‌های برتر منتقدان سینمای ایران بوده. فریدون گله استفاده بجا و مناسبی از شب کرده و با وجود ابزارهای فنی آن زمان توانسته سکانس‌هایی به‌یادماندنی از شب‌های تهران را به ثبت برساند.

شب‌های تهران
۱۳۷۹

کارگردان داریوش فرهنگ
فضای کلی شیرین قوامی (میترا حجار) و مینا ایرانی (شقایق فراهانی) دو دختر دانشجو هستند که برای پایان‌نامه تحصیلی خود درباره آسیب‌های اجتماعی در تهران بزرگ، گزارشی مصور و جسارت‌آمیز تهیه کرده‌اند. در همین زمان، ناشناسی، دختران چشم‌آبی را شکار کرده و به قتل می‌رساند. شبی مینا هم به قتل می‌رسد. شیرین در جست‌وجوی راز این قتل، به هر راننده‌ای که پیکان سفید دارد، مظنون می‌شود...

کارگرد دراماتیک شب داریوش فرهنگ برای بیان برخی معضلات اجتماعی، دو دختر دانشجو را محور روایت قصه قرار داد. آنها به دل پایتخت می‌زنند و با اتفاق‌های عجیبی مواجه می‌شوند. در این میان قتل محور اصلی فیلم است. «شب‌های تهران» تصویری دهشتناک و مرموز از پایتخت برایمان روایت کرد؛ جایی که دخترها در شب نمی‌توانند با خیال آسوده در شهر پرسه بزنند. هدف کارگردان نمایش مشکلات شبانه تهران در قالب یک فیلم را لااقل بوده و طبیعی است که داستانش را در شب روایت کند.

میزان موفقیت فیلم «شب‌های تهران» در نمایش پلشتی‌ها نسبتا موفق عمل کرد، اما نه به لحاظ هنری توانست دل منتقدان را به دست بیاورد و نه در اکران گیشه‌ای مقبول داشت.

یک شب
۱۳۸۳

کارگردان نیکی کریمی
فضای کلی شب‌های روشن داستان زندگی دو انسان تنها در شهری بزرگ است. مرد، استاد دانشگاه و سرخورده اجتماعی است و انزوای خود را با تدریس ادبیات، مطالعه کتاب و پرسه‌زدن در خیابان‌ها می‌گذراند. شبی دختره دختری سالخورده‌ست می‌شود و به او کمک می‌کند تا از شر مزاحمت یک راننده ماشین رها شود. به مرور بین آنها پیوندی عاطفی ایجاد می‌شود.

کارگرد دراماتیک شب فرزاد مؤتمن «شب‌های روشن» را بر اساس رمانی به همین نام نوشته دانیاسفنگ کارگردانی کرد. فیلم به اذعان خود کارگردان، وامدار عطار نیشابوری و داستان «شیخ صنعان و دختر ترسا» هم هست. طبعا کارگردان برای رسیدن به درونیات قهرمانش نیاز به آرامش و سکون شب داشته و برای همین سایه‌روشن شب را برای قصه‌پردازی انتخاب کرده.

میزان موفقیت شب‌های روشن» خیلی زود تبدیل به فیلم محبوب منتقدان شد و البته همچنان سایه‌اش بر سر مؤتمن سنگینی می‌کند. فیلم در جشنواره فجر برای هانیه توسلی یک سیمرغ به ارمغان آورد و در جشن خانه سینما خوش درخشید. مؤتمن در این فیلم یکی از بهترین اقتباس‌های سینمایی را به نام خود زد و از آن سو هوشمندانه از پلشتی‌های شهر تهران عبور کرد.

شب
۱۳۸۶

کارگردان رسول صدرعاملی
فضای کلی داستان درباره یک گروهبان (امین حیایی) است که می‌خواهد یک مجرم (زنده‌یاد عزت‌الله انتظامی) را با دستبند به زندانی در یک شهرستان تحویل دهد. برف می‌آید و جاده بسته می‌شود و آنها شب را در مضیف می‌گذرانند. در آن شب میان آنها و صاحب مضیف (زنده‌یاد خسرو شکیبایی) اتفاق‌هایی رخ می‌دهد که پیوندی مستقیم با زیارت امام رضا(ع) دارد.

کارگرد دراماتیک شب رسول صدرعاملی در سه گانه شب قصد داشت کرامات امام رضا(ع) را نشان دهد. فیلم نخستین؛ یعنی «شب»، هم به لحاظ قصه پخته‌تر است و هم مفهوم مستتر در فیلم بهتر و روان‌تر بیان می‌شود. او بخش عمده‌ای از داستان فیلمش را در شب روایت کرده؛ به گونه‌ای که گرماگرمی‌ها در شب می‌گذرد.

میزان موفقیت صدرعاملی در «شب» استفاده کاملی از شب می‌کند؛ جایی که گروهبان مجبور است در مشهد بماند و مجرمش را از دست می‌دهد. او نسبت جذابی میان گرفتاری و گره‌گشایی ایجاد کرد و با تکیه بر سیاهی شب به خوبی از این عنصر استفاده کرد. فیلم برای امین حیایی سیمرغ بهترین بازیگری را به ارمغان آورد.

خودزنی
۱۳۹۰

کارگردان احمد کاوری
فضای کلی مردی به زندان افتاده است و حالا پس از آزادی دنبال همسرش می‌گردد. او برای یافتن همسر با اتفاق‌های تکان‌دهنده‌ای مواجه می‌شود.

کارگرد دراماتیک شب احمد کاوری با موضوعی سیاسی، اجتماعی و در لژانر نوآر، بسازد. او زمان جوراته «هزر و سگ‌ها» نوشته «جیب محفوظ». نویسنده مصری را برای این منظور انتخاب کرد و اقتباسی وفادارانه به آن داشت. داستان فیلم روایت کیانوش است که پس از آزادی از زندان به دنبال یافتن همسر سابق و فرزندش می‌رود. واقعیت جامعه اما حکایت از چیز دیگری دارد و او مجبور است برای رسیدن به حقش دست به اندم‌کشی بزند. کاوری بخش عمده‌ای از داستان فیلمش را در دل شب روایت کرد تا اینگونه تنهایی و استیصال قهرمانش بیشتر به چشم بیاید.

میزان موفقیت «خودزنی» از جهات سیاسی و اجتماعی زیاد دارد، اما نه در گیشه موفق بود و نه منتقدان آن را تحویل گرفتند. در کارنامه کاوری اما یک کام به جلو محسوب می‌شود که با کمی تامل در ساخت می‌توانست اثری جلوتر اول لقب بگیرد. سکانس‌های مهم فیلم در شب می‌گذرد و کارگردان اینگونه خواسته پلشتی‌های جامعه را با سرنوشت گراتکر فیلمش پیوند بزند و برجسته کند.

مترو پل
۱۳۹۲

کارگردان مسعود کیمیایی
فضای کلی زن جوان بیوه‌ای برای فرار از دست عوامل که به‌ای از او اجیر شده‌اند به سینمای متروکه‌ای که دو جوان آن را اداره می‌کنند پناه می‌برد. کشمکش با حضور زن شروع می‌شود...

کارگرد دراماتیک شب مسعود کیمیایی استاد استفاده از المان‌های سینمایی است. نشانه‌ها را خیلی خوب می‌فهمد و به‌قاعده از آنها استفاده می‌کند. در کتاب‌هایی هم که نوشته این مشخصه او به خوبی قابل ردیابی است. او این بار، شب و سینما را به عنوان دو مفهوم پایه‌ای در «متروپل» به کار برد. قهرمان فیلم (خاتون با بازی مهناز افشار) گرفتار نامردی‌ها و ناجوانمردانگی شده. این زن مجبور است شبانه برای نجات خود و زندگی‌اش از خانه فرار کند، اما در یک کشمکش زخمی می‌شود و به سینمایی متروکه پناه می‌برد؛ یعنی حرکت از سیاهی به سمت روشنی.

میزان موفقیت مسعود کیمیایی نشانه‌ها را خیلی خوب و منطقی در «متروپل» کنار هم چید، اما از فیلمنامه ضعیفش ضربه خورد و نتوانست دل منتقدان و مخاطبان را به دست بیاورد. شاید اگر فیلمساز متبحر سینمای ایران انگیزه و ارادتی دهه‌های قبل را داشت، خروجی «متروپل» فیلمی ماندگار در سینمای ما قلب می‌گرفت.

سراسر شب
۱۳۹۶

کارگردان فرزاد مؤتمن
فضای کلی الناز (الناز شاکردوست) برای یافتن ردی از داود مرادی (امیر جعفری) که آخرین فرد مرتبط با خواهرش، مریم، پیش از خواب طولانی‌مدتش بوده، به محل زندگی داود می‌رود تا پاسخی برای سوالاتش پیدا کند.

کارگرد دراماتیک شب فرزاد مؤتمن بعد از «شب‌های روشن» این بار هم فیلمش را در شب روایت کرد. اینجا هم فیلمساز به موفقیت‌هایی مثل پرسه‌زنی‌های شبانه، شب‌نشینی در کافه، زندگی‌های یواشکی، مرموز بودن اتفاق‌های شب و ... نیاز دارد. حتما کارگردان می‌توانست بخشی از قصه را در روز روایت کند، اما داستان در یک شب رخ می‌دهد و با صبح به پایان می‌رسد